



بررسی شمولیت نفقه با رویکرد فعالیت های هنری زوجه

دکتر رقیه سادات موسوی هاشمی^۱

مسلم سلیمانی^۲

چکیده

در «فقه اسلامی» موارد مختلفی وجود دارد که در زندگی انسان‌ها نقش به‌سزایی دارد. یکی از آن موارد مبحث «نفقه» است. نفقه به سلسله حقوقی گفته می‌شود که تحت شرایط و نظم خاصی به زن تعلق می‌گیرد. مقاله حاضر به بیان مواردی از هزینه‌های زن (نفقه) می‌پردازد که آیا برخی فعالیت‌های هنری، ورزشی و غیر آن برای زن می‌تواند جزو نفقه محسوب شود یا خیر؟ زیرا توجه به روحیه حساس و لطیف زن و توانایی او در خلق اثرهای هنری می‌طلبد تا در این راستا استعدادها و او شکوفا شود و از پرتو آن استحکام و آرامش خانواده بیشتر و از این رهگذر نیز، باعث افزایش درآمد اقتصادی برای خانواده باشد. بدون شک رویکرد فقهی به این مسئله می‌تواند موضوع نفقه را وارد عرصه دیگری از زندگی زناشویی و استحکام آن در پرتو نفقه نماید. از این رو در این مقاله به روش تحلیلی و توصیفی با رویکرد کتابخانه‌ای با مراجعه به منابع و متون فقهی موارد نفقه بررسی شده و به این نتایج دست یافته که موارد احصا شده برای نفقه انحصاری نبوده و با توجه به نیاز و شرایط زمان و مکان قابل توسعه می‌باشد. رویکرد تحقیقی این مقاله به روش کتابخانه‌ای به مواردی می‌پردازد که به موضوع اختصاص مالی به عنوان نفقه برای آموزش و هزینه‌های لازم در امور هنری تا فارغ‌التحصیلی که لازم است، برای آن انجام بشود و البته بعد از رسیدن به مرحله استادی یا کارآفرینی می‌تواند به اقتصاد خانواده کمک کند.

کلید واژه‌ها: شمولیت، نفقه، فقه، هنر

مقدمه

بررسی موضوع نفقه از این جهت اهمیت دارد که ارتباط تنگاتنگی با اصیل‌ترین نهاد مدنی (خانواده) دارد. هدف در این مقاله تعمیم مخارج فعالیت‌های هنری زوجه در قالب نفقه می‌باشد. برای فهم آن ابتدا می‌بایست تعریفی از واژگان کلیدی این مقاله و سپس جایگاه نفقه، موارد آن و ضمانت‌های اجرایی آن بیان شود تا بتوان موضوع مورد بحث را بررسی نمود.

موضوع نفقه به عنوان یک پشتوانه برای زنان در فرهنگ اسلامی در نظر گرفته شده است تا به دور از دغدغه تأمین معاش، زن بطور تمام وقت عمر خود را صرف دو موضوع اساسی کند. یکی گرم نگه‌داشتن کانون پر مهر و عشق خانواده و دیگری توجه کامل به همسر و شوهرداری کردن. گویی کارها بین دو زوج بدین‌گونه تقسیم شده است که یکی دغدغه تأمین معاش و آن یک، دغدغه تأمین عشق و محبت دارد.

آنچه ما را واداشت تا بدین تحقیق بپردازیم، وجود ادله و توصیه‌های فراوان به حقوق زن، بخصوص توجه به نفقه او در منابع فقه اسلامی است که دایره آن به برخی شرح وظایف، بایدها و نبایدها، حقوق هر یک و توصیه‌های کاربردی برای

۱ - دکتری تخصصی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران
mailto:mroghisadat@gmail.com

۲ - مدرس حوزه، آماده ارائه رساله سطح ۴، حوزه علمیه قم ۵۱۷۲@msoleymani.com



زندگی بهتر با توجه به مقتضیات زمان و بافت اجتماعی جامعه امروز دارد.

یکی از راه‌های استحکام بخشیدن به بنیان خانواده شناختن و عمل کردن به وظایف و تکالیفی است که خداوند برعهده اعضای آن به خصوص زوجین قرار داده تا هیچ یک از آنها از حدود خود پا فراتر نگذارند و سطح انتظار خود از دیگری را محدود در حدود الهی نموده و در انجام وظایف و مسئولیت‌های خود کوشش نمایند و بتوانند با رعایت عدالت و تقوا در مسیر حق و تربیت فرزندان گام برداشته و اجازه ندهند به یکی از اصلی‌ترین وظایف مرد در قبال همسرش طبق آیاتی از قرآن کریم، سنت نبوی، اجماع و حتی عقل، برآورده کردن نیازهای مادی اوست که «نفقه» نامیده می‌شود تا در سایه‌ی امنیت و آرامش، زن بتواند وظایف مادری و همسری را بخوبی عمل نماید.

به خوبی می‌توان استحکام، آرامش و عشق را در خانواده‌ای که به هنر توجه دارند و مادر خانواده خود هنرمند است را با خانواده‌ای که فاقد آن باشد، مقایسه کرد. قانون مدنی نیز مسئولیت مالی و اقتصادی خانواده به خصوص زوجه را به عهده زوج گذاشته است. لذا با تحقیق میدانی و توصیفی در آیات قرآن و لسان اهل بیت (ع) بصورت کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری اعم از فضای مورد استناد در مجازی تا نرم افزارهای معتبر حوزه علمیه قم مرکز رایانه‌ای، این تحقیق صورت گرفته است که تقدیم مخاطبان عزیز و مراکزی که درباره حقوق زنان فعالیت می‌کند، می‌گردد. ابتدا واژگان اصلی موضوع تحقیق واکاوی، موضوع مورد نظر بررسی می‌شود.

الف: تعریف اصطلاحات:

در هر پژوهش، بدون فهم درست و علمی از کلیدواژگان آن بدون شک به نتیجه مطلوب نخواهیم رسید. بنابراین کلیدواژگان، حکم چارچوب اصلی بحث را دربر خواهد داشت.

شمولیت:

وقتی از شمولیت صحبت می‌شود یعنی مواردی برای موضوع نفقه وجود دارد اما می‌خواهیم بررسی کنیم که امکان اضافه شدن موارد و مصادیق دیگر برای نفقه نیز وجود دارد یا خیر؟

نفقه:

«نفقه» عبارت از امکانات مالی اعم از نقدی و غیرنقدی است که زوج می‌بایست بر اساس یک قاعده به زوجه بپردازد. که معنی لغوی و اصطلاحی آن خواهد آمد. (امام خمینی، محمد حسن نجفی و...)

فقه:

ممکن است نفقه (مناسبات مالی در زندگی) از منظرهای متفاوت مورد بررسی قرار گیرد، و در هرکشوری تابع شرایط و قوانین خاص آن است. اما آنچه در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد فقط از منظر فقه اسلامی است. این‌که فقه چیست و جایگاه آن در زندگی کجاست، مطلبی است که می‌تواند خود یک تحقیق مفصل باشد ولی ما در این مقاله بطور خلاصه اشاراتی خواهیم داشت.

«فقاہت» یک کلمه عربی و مصدر می‌باشد که به معنی «دانا شدن، عالم به احکام شرع شدن» می‌باشد (واژه نامه نوین ص ۸۲۲). فقه در کتاب لغت عرب بصورت «فَقَّهَ، یَفْقَهُ، فَقَّهًا» آمده است (المنجد ص ۵۹۱). وقتی گفته می‌شود «فقه‌الرجل» یعنی: در علم غلبه پیدا کرد...

فقه عبارت است از رسیدن به یک علم نهانی به توسط علمی که برای انسان مشهود و قابل درک است. که در واقع اخص از علم است (مفردات راغب ص ۳۹۸). در واقع «فقه» علم به احکام شریعت اسلام است و فقیه کسی است که بیشترین دانش



را از احکام شریعت داشته باشد.

هنر:

موضوع اصلی تحقیق ما در این مقاله «اشتغال یا فعالیت هنری» زوجه است. بطور مثال اگر یک زن به فعالیت‌های هنری اشتغال داشته باشد آیا تهیه امکانات لازم و شهریه آن جزو نفقه می‌باشد که پرداخت آن برای مرد واجب است یا خیر؟ موضوع اصلی علم زیباشناسی، دادن پاسخ به این سؤال است که «هنر چیست؟» عده ای می‌گویند: «هنر زیبایی است» و از ویژگی‌های عامی که همه برای هنر نام می‌برند، «ویژگی زیبایی آن است» یا «هر چیز که ساخته‌ی آدمی و زیبا باشد». سؤال دیگری که مطرح می‌شود، این است که «زیبایی چیست؟» زیبایی هر چیزی است که آدم را به خود جذب می‌کند و انسان خواهان تکرار دیدن یا شنیدن آن است. زشتی در مقابل زیبایی، زشت هر چیزی است که از دیدن دوباره‌ی آن دوری می‌کنیم و کراهت داریم.

اشکال این تعریف از هنر این است که تمام ماهیت و چیستی هنر را به واکنش مخاطب واگذار می‌کند و واکنش مخاطب موضوع مهمی است، اما تنها عامل ارزش‌گذاری یک اثر هنری نیست.

گروهی دیگر معتقدند که هنر هر آن چیزی است که وسیله‌ی پالایش، والایی و اعتلای روح آدمی بشود. یعنی هنر را صرفاً هنر اخلاق‌گرا می‌دانند و هنر خود را هنری می‌دانند که به اثرگذاری‌های مثبت اجتماعی، اخلاقی، آموزشی، تربیتی و... منجر شود. طرفداران این نظریه از شعار «هنر برای اجتماع» جانب‌داری می‌کنند.

اشکال این تعریف نیز این است که اخلاقیات و مسایل اجتماعی در همه‌ی هنرها به یک اندازه کاربرد ندارد که بتوان از آن به‌عنوان یک معیار جامع برای سنجش آثار هنری استفاده کرد. مثلاً در شعر یا رمان یا سینما، میزان اخلاق‌گرایی با هنری مثل خط یا معرق بسیار متفاوت است.

تعریف دیگری از هنر وجود دارد که می‌گوید: هنر نسخه برداری از اصل طبیعت است و هر چه در طبیعت وجود دارد، می‌تواند در هنر هم مصداق داشته و ارزشمند باشد. مثلاً هوی و هوس، هوای نفس، میل به جنایت و خون‌ریزی و دیگر صفات زشت و ناپسند چون وجود دارند، می‌توانند آزادانه به تصویر کشیده شوند و عیناً مثل یک هنر مقدس قابل احترام و تحسین باشند، چون آیین‌های تمام حقیقت و واقعیت‌ها هستند.

تعریف چهارم می‌گوید: هنر بیان احساس و عاطفه‌ی آدمی و برداشت او از زندگی و جهان هستی است.

اشکال کلیه‌ی این تعاریف این است که یک وجه یا صفت از هنر را در نظر می‌گیرند و از باقی مسایل چشم‌پوشی می‌کنند. هنر در واقع ترکیبی از تمام این معانی است و تعریفی عام را شامل می‌شود.

پس از موضوع تعریف هنر، بحث دیگری که مطرح می‌شود، تاریخ فلسفه‌ی هنر است. این بحث از یونان باستان و افلاطون آغاز و با آرا و عقاید ارسطو ادامه می‌یابد. بسیاری از اصول امروزی هنرهای مختلف و قاعده و قانونمندی‌ها در این‌باره از کتاب بوطیقای ارسطو گرفته شده است (مجله شمیم یاس، شهریور و مهر ۱۳۸۱، پیش شماره ۱۴). بعد از بیان موارد نفقه این موضوع مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

ب: نفقه در فقه اسلامی

۱- تعریف نفقه:

در لغت: برای روشن شدن موضوع ناچاریم که معنی «نفقه» را در کتب لغت فارسی و عربی جستجو کنیم. «نفقه» یک کلمه عربی و اسم برای معنی خاصی است. معنی نفقه در فارسی «بخشش، هزینه زندگی، آنچه در راه خدا به کسی دهند»



(فرهنگ نوین ص ۱۲۴۵). همین کلمه در زبان عربی (النَّفَقَه) جمع نفقات می‌باشد. نفاق و انفاق اسم برای الانفاق می‌باشد که به معنی «بخشیدن مقداری از درهم‌ها (پول) (المنجد ص ۸۲۸).

در اصطلاح: «راغب اصفهانی» موضوع نفقه را در کتاب «مفردات الفاظ قرآن» بسیار زیبا و اکاوی می‌کند که بخش‌هایی را آورده و توضیح می‌دهیم: «نفق: نفق الشيء مضي و نفذ، ينفق إما بالبيع نحو نفق البيع نفاقاً ومنه نفاق الایم، و نفق القوم إذا نفق سوقهم. و إما بالموت نحو نفقت الدابة نفوقاً، و إما بالفناء نحو نفقت الدراهم تنفق و أنفقتها.

و الانفاق قد يكون في المال و في غيره و قد يكون واجبا و تطوعاً، قال: (و أنفقوا في سبيل الله و أنفقوا مما رزقناكم) و قال: (لن تنالوا البر حتى تنفقوا مما تحبون و ما تنفقوا من شيء فإن الله به عليم و ما أنفقتم من شيء فهو يخلفه لا يستوی منكم من أنفق من قبل الفتح) إلى غير ذلك من الايات.

و قوله: (قل لو أنتم تملكون خزائن رحمة ربی إذا لامسکم خشية الانفاق) أي خشية الاقتار، يقال أنفق فلان إذا نفق ما له فافتقر فالانفاق ههنا كالاملاق في قوله (ولا تقتلوا اولادکم خشية إملاق) و النفقة اسم لما ينفق، قال: (و ما أنفقتم من نفقة و لا ينفقون نفقة) و النفق الطريق النافذ و السرب في الارض النافذ فيه قال (فإن استطعت أن تبتغى نفقا في الارض) و منه نفاقا اليربوع، و قد نافق اليربوع و نفق، و منه النفاق و هو الدخول في الشرع من باب و الخروج عنه من باب و علی ذلك نبه بقوله (إن المنافقين هم الفاسقون) أي الخارجون من الشرع، و جعل الله المنافقين شرا من الکافرين.... (مفردات الفاظ القرآن/ راغب اصفهانی ج. دارالکاتب العربی قدیم/ ص ۵۲۳).

ترجمه و شرح:

کلمه «نفق» در تلفظ‌های مختلف دارای معانی مختلف است. اگر ماضی آن بر وزن «نَفَقَ» و مضارع آن «يَنفُقُ» باشد، می‌شود: «آن چیز از بین رفت، کم شد، نایاب شد» (المنجد ج ۲/ ایران چاپ ۱۳۸۲ / ص ۱۹۸۴) که در اینجا مرحوم راغب سه عامل را برای کم شدن مطرح می‌کند.

- معامله (خرید و فروش)
- مرگ و میر
- نابود شدن

که مورد دوم برای جانداران و مورد سوم برای اشیا است. تا اینجا ربطی به بحث ما ندارد. اما معنی مورد نظر ما از اینجا شروع می‌شود که می‌گوید:

«والنفاق قد يكون في المال...» یک دسته بندی در خصوص انفاق دارد که انفاق گاهی بوسیله مال (چیزی که جنبه مالی دارد) و گاهی غیر از آن صورت می‌گیرد و در تقسیم بندی دیگر گاهی آن را واجب و گاهی مستحب می‌داند.

معنی مورد نظر ما زمانی اتفاق می‌افتد که «النَّفَقَه» مفرد باشد برای «نَفَقَات»، و معنی آن می‌شود: «خرج کردن، پول خرجی، خرجی زن که بر عهده شوهر است» (المنجد/ ج ۲ ص ۱۹۸۵). در ادامه بحث انفاق «راغب» چندین آیه از قرآن کریم را که دارای این معنی از انفاق هست را برمی‌شمرد:

- ✓ وَأَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
- ✓ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ
- ✓ لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ
- ✓ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ



✓ وما أنفقتم من شيء فهو يخلفه

✓ لا يستوي منكم من أنفق من قبل الفتح

در همه آیات فوق معنی انفاق عبارت است از بخشش مقداری از مال و دارایی به دیگری. اما در اصطلاح فقه نیز مالی را گویند که برای ادامه زندگی بر حسب حال اشخاص لازم است و آن عبارت است از خرج خوراک، پوشاک و مسکن (دهخدا، ج ۱۴، ص ۲۲۶۴۱). فقها کمتر به مفهوم نفقه اشاره کرده‌اند و بیشتر مصادیق آن را ذکر نموده‌اند. از نظر آنان ازدواج، خویشاوندی و مالکیت سبب نفقه می‌شود (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۳).

۲- میزان نفقه

معیار تعیین میزان نفقه زن در فقه مورد اختلاف است:

• توانگری و تنگدستی مرد.

• وضع زن

• یا هر دو، معیار نفقه دانسته شده‌اند.

از جمله مستندات معیار بودن توانگری و تنگدستی زوج در فقه شیعه، آیه ۷ سوره طلاق است («بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند و هر که روزی او تنگ باشد باید از آنچه خداوند به آنها داده خرج کند؛ لِيَنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ...») ولی مخالفان این نظر برآنند که زوج آنچه از نفقه را که می‌تواند باید (مطابق با شوون زوجه) بپردازد و بقیه آن دینی بر عهده او خواهد بود، آنها به ادامه همین آیه استناد می‌کنند. («خداوند به زودی پس از سختی‌ها آسانی قرار می‌دهد؛ سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يسْرًا») به نظر صاحب جواهر می‌توان گفت آیه درباره نفقه غیر زوجه است که با ناتوانی انفاق کننده ساقط می‌شود (نجفی، جواهرالکلام، ج ۳۱، ص ۳۳۳).

برخی فقهای شیعه به حق فسخ برای زوجه در صورت ناتوانی زوج از پرداخت نفقه معتقدند. مستند آنان آیه ۲۲۹ سوره بقره است. («الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَاِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ اَوْ تَسْرِيحٌ بِاِحْسَنِ» طلاق دو مرتبه است، البته منظور طلاق رجعی است، اگر مرد همسرش را طلاق داد یا با خوبی و سازگاری رجوع کند و یا به نیکی رهایش کند) از نظر آنان، نگاه داشتن زوجه بدون پرداخت نفقه «امساک به معروف» نیست و در صورت فقدان حاکم، زوجه حق فسخ دارد. بیشتر فقهای شیعه معتقدند زوجه چنین حقی ندارد (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۸۷).

در کل نفقه همه تعهدات نقدی و غیر نقدی برای زوجه است که تحت یک ضابطه خاص زوج باید به زوجه بدهد که در فصل چهارم (نفقه در اسلام) بطور تفصیل بدان خواهیم پرداخت.

۳- نفقه در آینه قانون

در این قسمت نفقه را با توجه به حقوق رایج در امور مدنی و خانواده تعریف می‌کنیم و در قسمت بعدی آیات و روایاتی را برمی‌شماریم.

برابر ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی: «در عقد دائم نفقه زن به عهده‌ی شوهر است» برابر ماده ۱۱۰۷ ق.م در تعریف نفقه همسر می‌گوید: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضاء» در نگاهی دیگر چنین تعریف گردیده است:

«تمام وسایلی است که زن با توجه به درجه تمدن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود بدان نیازمند است»



مطابق نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۱۹۷۸ مصوب ۱۳۸۰/۸/۲ در خصوص نفقه چنین بیان می‌دارد: «چون نفقه طبق مذهب شیعه متفرعات نکاح دائم است، و نکاح هم احوال شخصیه است، پس نفقه را احوال شخصیه می‌توان گرفت».

مطابق ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی اصلاحی ۱۳۸۱/۸/۱۹: «نفقه همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل، هزینه‌ها و هزینه درمان و بهداشت و خادم در صورت نیاز و احتیاج یا عادت به واسطه نقصان یا مرض می‌باشد».

حال سؤالی که مطرح است آن که آیا نفقه صرفاً شامل موارد مذکور است؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که آنچه در این ماده آمده حصری نیست و هرچه بر حسب عرف مورد احتیاج زن باشد، جزو نفقه است و مرد باید آن را برای زن فراهم آورد که از کلمه احتیاج به کار رفته در این ماده نیز می‌توان این معنی را استنتاج نمود. هم‌چنین فقهای بزرگ امامیه مانند صاحب جواهر، صاحب مسالک این نظر را پذیرفته و رجوع به عرف را برای تعیین نفقه مرجع می‌دانند.

نکته دیگر حائز اهمیت در این ماده آن است که وضعیت و احتیاجات زن به طور متعارف ملاک ارزیابی است و نه وضعیت مرد، پس اگر زن از خانواده متمکنی باشد، شوهر به ناچار باید وسائل زندگی او را آن‌چنان که شأن و وضع اجتماعی و خانوادگی او اقتضا می‌کند، فراهم آورد که در تأیید این نکته می‌توان به رأی شماره ۲۳/۲۹۲ دیوان عالی کشور اشاره کرد. کاتوزیان نفقه را مطابق با شئون خانوادگی جدید زن می‌داند. مثلاً اگر یک اشراف‌زاده با دختر یک کارگر ازدواج کند، نباید نفقه او را مطابق شئون زندگی کارگر محاسبه کند و نیز برعکس. یعنی اگر یک دختر اشراف‌زاده با یک کارگر ازدواج کند، باید به تناسب شرایط فعلی او انتظار نفقه داشته باشد (ایسنا ۱۰ تیر ۱۳۹۲).

تمکین

از شرایط وجوب نفقه این است که زن تمکین داشته باشد. تمکین با توجه به تعریفی که دهخدا کرده است به معنی: تمکین. [ت] [ع مص] دست دادن. [ا] جای دادن (تاج المصادر بیهقی) (زوزنی) (آندراج).

جای دادن و پابرجا کردن (غیث اللغات). پای‌برجای کردن و توانا و قادر گردانیدن بر چیزی (منتهی الارب)، (ناظم الاطباء). قادر و مسلط گردانیدن کسی را بر چیزی (دیکشنری آنلاین).

مترادف تمکین: انقیاد، تسلیم، اطاعت، پیروی، تعیت، فرمانبرداری، متابعت، احترام، بزرگداشت، سازگاری، به فرمان بودن، فرمان بردن، متابعت کردن، سازگار بودن.

متضاد تمکین: تمرد، سرپیچی، عصیان، یاغیگری نافرمانی، سرکشی کردن، ناسازگاری بودن، ناسازگار. برابر پارسی: سرفرو آوردن، گردن نهادن.

در قانون براین نکته تأکید شده است که زن موظف است از شوهر خود تمکین کند. در غیر این صورت، حقی بر دریافت نفقه نخواهد داشت. از این‌رو؛ شرط دوم در مستحق شدن زن برای دریافت نفقه، همانا تمکین از زوج است. ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی (تغییرات و مجازات‌های بازدارنده) مقرر داشته که هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌التفقه امتناع نماید، دادگاه او را از ۳ ماه و یک روز تا ۵ ماه حبس محکوم می‌نماید.

ضمانت اجرای پرداخت نفقه

در باب ضمانت اجرای پرداخت نفقه در قانون؛ هم جنبه مدنی و هم کیفری پیشی بینی شده است. نفقه زن مطلق است



و ربطی به فقر یا تمکن مالی مرد ندارد و به عنوان یک دین بر ذمه مرد است.

ضمانت اجرای مدنی

در خصوص ضمانت اجرای مدنی نفقه، می‌توان مواد ۱۱۱۱، ۱۱۱۲ و ۱۱۲۹ قانون مدنی و بند ۲ از ماده ۸ قانون حمایت خانواده را نام برد. در نتیجه طبق قانون مدنی اگر زن تمکین کند و نشوزی از او سر نزند، او مستحق نفقه خواهد بود و در صورت عدم پرداخت نفقه از سوی زوج، زوجه می‌تواند شوهر خویش را از طریق دادگاه در درجه اول الزام به پرداخت کند و اگر باز هم از سوی زوج ممانعتی در پرداخت دیده شود، می‌تواند تقاضای طلاق کند.

ضمانت اجرای کیفری

«هرکس با استطاعت مالی، نفقه زوجه اش را در صورت تمکین ندهد، به حبس جنجهای از ۳ ماه تا ۱ سال محکوم خواهد شد» (مستند از ماده ۲۲ قانون جدید حمایت خانواده). البته ماده فوق را ماده ۱۰۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ نسخ کرد و ماده ۱۰۵ نیز به موجب ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی نسخ گردید. ماده فوق برای ترک انفاق مجازات حبس از ۳ ماه و ۱ روز تا ۵ ماه را در نظر دارد. نکته‌ای که در پایان بحث ضمانت اجرای پرداخت نفقه باید ذکر شود این است که در خصوص نفقه گذشته زوجه نمی‌تواند زوج را تحت پیگرد کیفری قرار داد. ضمانت اجرای کیفری مخصوص نفقه حال می‌باشد.

ج: فلسفه هنر و نقش آن در زندگی

در این قسمت به بررسی گذرای چند موضوع می‌پردازیم.

۱- فلسفه هنر

فلسفه هنر، مطالعه ماهیت هنر، از جمله مفاهیمی مانند تفسیر، بازنمایی، بیان و شکل است. این مفهوم ارتباط نزدیک با زیبایی‌شناسی، مطالعه فلسفی زیبایی و سلیقه دارد. اصطلاح فلسفه در لغت به معنای «عشق به خرد» است. به معنای وسیع، فلسفه فعالیتی است که افراد وقتی به دنبال درک حقایق اساسی درباره خود، دنیایی که در آن زندگی می‌کنند و روابطشان با جهان و یک دیگر می‌پردازند، انجام می‌دهند. کسانی که فلسفه را مطالعه می‌کنند، همواره درگیر پرسیدن، پاسخ دادن و استدلال برای پاسخ‌های خود به اساسی‌ترین سؤالات زندگی هستند. در این خصوص کتاب‌های زیادی نوشته شده است. از جمله: کتاب فلسفه هنر نوشته «ژان لاکست». ارزش ادبی این کتاب آنقدر بالاست که امروزه آن را در دانشگاه‌های مطرح و معتبر جهان آموزش می‌دهند. ژان لاکست در این کتاب ابتدا درباره‌ی واژه‌ی هنر و معنای مختلف آن حرف می‌زند. او در ادامه بحث فلسفه هنر را در هفت فصل توضیح می‌دهد. ژان لاکست در مقدمه‌ی کتاب درباره هنر می‌گوید: «هنر» واژه‌ای چند پهلوسست، در قرون وسطا هنرهای آزاد در مدارس تدریس می‌شد و از هنرهای مکانیکی متمایز بود.

هربرت رید نویسنده کتاب فلسفه هنر معاصر در پیشگفتار کتاب چنین نوشته‌است: شاید کتاب فلسفه هنر، برای مجموعه مقالاتی که در طی پانزده سال و در زمان‌های مختلف نوشته شده‌اند، عنوانی بزرگ باشد. نمی‌توانم ادعا کنم که در تمامی این مدت نقشه‌ای واحد در سر داشته‌ام و برای رسیدن به هرهدفی از شیوه‌ی بیان ویژه‌ای سود جست‌ام. کتاب فلسفه هنر از دیگام مارکس، به خاطر نوآوری در روش و شیوه‌ی تحقیق در رویکرد به موضوع زیبایی‌شناسی مارکس از اصالت و برجستگی خاصی برخوردار است.

۲- ماهیت هنر

ریشه‌شناسی واژه هنر

واژه «هنر» در زبان‌های اروپایی به یونانی «تِخْنِه» (techne) به لاتین «آرتوس» و «آرتیس» (artis) و «آرس» (ars)، به



فرانسه «آر» (ar) و به انگلیسی «آرت» (art) و به آلمانی «کونست» (kuns) گفته می‌شود که از ریشه هندی و اروپایی (ar) به معنای ساختن و به هم پیوستن و درست کردن آمده است.

این الفاظ در تاریخ گذشته اروپا فقط برای هنرهای خاص به کار نمی‌رفته؛ بلکه به معنای فضیلت هم به کار می‌رفته است. هر چند بیشترین کاربرد آن در فرهنگ یونانی در اصطلاح هنرهای هفتگانه یونان و در قرون وسطی در اصطلاح هنرهای آزاد بوده است که هنرهای فکری بوده‌اند.

اصل و ریشه هنر در زبان فارسی به سانسکریت بازمی‌گردد و با لفظ «سونر» (sunar و «سونره»، sunara) که در اوستایی و پهلوی به صورت هونر (hunar) و هونره (hunara) سوهو به فارسی نیک و خوب، نر و نره به فارسی به معنای (مردی و زنی) به معنای نیک مردی و نیک زنی، هم‌ریشه است. در زبان فارسی قدیم نیز «چهار هنران» به معنای فضایل چهارگانه شجاعت، عدالت، عفت و حکمت (به معنای فرزاندگی) آمده است (هاشم زاده، حسین؛ قیسات، ۱۳۸۵ شماره ۳۹ و ۴۰). واژه هنر در قلمرو زبان فارسی در طول تاریخ معانی متنوع داشته؛ از جمله به معنای کمالات، فضایل، حسنات، برتری‌ها، صفات نیک، توانایی، قابلیت‌ها توانمندی، قدرت، صنعت، حرفه، کسب، و خطر و تهدیدی به کار رفته است.

صد حجاب از دل به سوی دیده شد

چون غرض آمد هنر پوشیده ماند

«حافظ»

قبای اطلس آن کس که از هنر عاری است
دوست نبیند بجز آن یک هنر
هنر خود بگوید نه صاحب هنر

قلندران حقیقت به نیم جو نخرند
گر هنر داری و هفتاد عیب
اگر مرد هست از هنر بهره ور

«سعدی»

با صرف نظر از معنای عام هنر که حتی امروزه هم کاربردی گسترده دارد، هنر در معنای خاص خود به مصادیق ویژه‌ای از قبیل شعر، نقاشی، فیلم، عکاسی، خطاطی، تئاتر، منبت کاری، مجسمه‌سازی، نمایشنامه نویسی، و... اطلاق می‌شود.

ماهیت هنر

مفهوم هنر از جمله مفاهیمی است که در طول تاریخ اندیشه، ده‌ها بلکه صدها تعریف برای آن ارائه شده، در حالی که هنوز هم عقیده براین است که تعریف تام و تمام برای هنر عرضه نشده است. مفهوم هنر از این حیث با مفاهیمی از قبیل «دین»، «فرهنگ» و... شباهت دارد؛ از این رو در بیان ماهیت هنر نباید به دنبال جنس و فصل حقیقی و حد تام گشت؛ بلکه باید به تعریفی که تا حدودی جامع افراد و مانع اغیار باشد، بسنده و قناعت کرد. چنان‌که می‌دانیم، در تعاریف منطقی به دنبال ویژگی‌های ذاتی معرف می‌گردند. تعیین این که ویژگی ذاتی هنر که در همه آثار هنری موجود باشد چیست؟!، از محوری‌ترین مباحث فلسفه هنر در محافل آکادمیک است. از دیدگاه افلاطون ویژگی ذاتی در هنر تقلید است. مبسوط این نظریه در کتاب دهم جمهوری افلاطون آمده است. به عبارت دیگر، تقلید، اساس و بنیاد هنر را تشکیل می‌دهد؛ از این‌رو در هر اثر هنری و در همه اقسام هنرها تقلید به چشم می‌خورد؛ برای مثال نقاش یا از طبیعت تقلید می‌کند و تصویر و شکل یک اسب یا یک منظره طبیعی مانند کوه و جنگل را می‌کشد یا از مصنوعات انسانی تقلید می‌کند و مثلاً ساختمان یا میز و غیره را به تصویر می‌کشد. مجسمه‌ساز مقلد است. چون شکل انسان یا حیوانی را در قالب مواد فلزی یا چوبی به تصویر می‌کشد. همین‌طور به عقیده افلاطون هنر شعر و شاعری هم نوعی تقلید است. چون شاعری مثل هومر هنرش این است که



به وصف شاعرانه جنگ‌های یونان باستان می‌پردازد و سرداران بزرگ یونانی را تعریف و تمجید می‌کند یا در رسای کشته شدن آن‌ها اشعار تراژدیک می‌سراید؛ پس هومر خودش سردار و جنگاور و شجاع نیست؛ بلکه تصویر و شکل و جلوه‌های شجاعت دیگران را به تصویر می‌کشد.

به عقیده افلاطون، هنرمند گاهی دو مرحله و گاهی سه مرحله از حقیقت دور است؛ چون به نظر افلاطون حقایق اشیاء، همان ایده‌های اولیّه یا حقیقت‌های مثلی هستند که یکی دیدگاه معروف دیگر در تعریف هنر، نظریه مکتب احساس گروهی یا اکسپرسیونیسم است. بنیان‌گذار و چهره معروف این مکتب لئون تولستوی نویسنده نامدار اهل روسیه است. در دوره معاصر، متفکر نامدار گالینگود بیان جدیدی از این نظریه ارائه کرد و سرانجام سوزان لنگر از دیگر شخصیت‌های شاخص این مکتب است. شرح اصیل و دقیق این نظریه در کتاب هنر چیست؟ تولستوی آمده است. این نظریه معتقد است ویژگی ذاتی در هنر، بیان و انتقال احساسات درونی هنرمند به مخاطب است. به عبارت دیگر، یک اثر هنگامی اثر هنری است که احساسات هنرمند را به مخاطبان انتقال دهد. اگر این ویژگی در یک اثر وجود نداشته باشد نمی‌توان آن را اثر هنری نامید؛ بنابراین، بنیاد و بنیان هنر بر سرایت احساسات از هنرمند به مخاطب بنا نهاده شده است.

تولستوی:

هنر یک فعالیت انسانی است و عبارت است از این که انسانی آگاهانه و به یاری علائم مشخصه ظاهری، احساساتی را که خود تجربه کرده است، به دیگران انتقال دهد؛ به طوری که این احساسات به ایشان سرایت کند و آن‌ها نیز آن احساسات را تجربه نمایند و از همان مراحل حسّی که او گذشته است، بگذرند (تولستوی، هنر چیست؟، ص ۵۵).

هنر، تولید موضوعات دلپذیر نیست. مهم‌تر از همه، لذت نیست؛ بلکه وسیله ارتباط انسان‌ها است. برای حیات بشر و برای سیر به سوی سعادت فرد و جامعه انسانی، موضوعی ضروری و لازم است؛ زیرا افراد بشر را با احساسات یکسان، به یکدیگر پیوند می‌دهد (همان، ۵۷).

فقدان تعریف واحد و معیار مشخص برای زیبایی و هنر در دوران معاصر به پیدایی نوعی هرج و مرج در تعریف آثار هنری انجامید. چه بسا تابلو نقاشی از دید یک ناظر زیبا تلقی می‌شد و از دید ناظر دیگر زیبا نبود. در نتیجه هرج و مرج در معنای زیبایی و هنر، در قرن بیستم مکتبی شکل گرفت که تعریف فوق‌العاده باز و عامی برای هنر ارائه کرد که در پرتو آن، بسیاری از آثار پدید آمده که در تعاریف دیگر، هنر تلقی نمی‌شدند، اثر هنری نام گرفتند.

فورمالیسم یا صورت‌گرایی که گاهی شکل‌گرایی، نمودگرایی و فرم‌گرایی هم نامیده می‌شود، ابتدا به وسیله کلیو بل (Clive Bell) ارائه شد؛ سپس افرادی مثل راجر فرای (Roger Fry) آن را حمایت کردند.

این دیدگاه معتقد است که ویژگی ذاتی هنر چنانچه در نظریه محاکات ابراز می‌شد، در یازنمایی طبیعت و جهان بیرون نیست و همچنین ویژگی ذاتی هنر بیان و انتقال احساسات نیست؛ چنان‌که در مکتب اکسپرسیونیسم بیان می‌شد؛ بلکه ویژگی ذاتی آثار هنری ارائه صورت، نمود یا شکل جالب توجه است.

هر اثر و صنّ بشری که صورتی ارائه دهد و آن صورت و شکل، توجه دیگران را به خود جلب کند، اثر هنری است. ضرورتی ندارد که این صورت ارائه شده به نظر همه یا عده‌ای زیبا باشد؛ بلکه همین که توجه انسانی را به خود جلب کرد اثر هنری خواهد بود (همان).

۳- اثرات هنر در زندگی فردی و اجتماعی

بدون شک هنر به دلیل تأثیر گذاری بر روح و روان و ایجاد موج مثبت آرامش در وجود انسان می‌تواند جایگاه ویژه‌ای



داشته باشد و نقش آفرینی کند. برخی از گفتگوی نسرين دمیچی با بهنام زنگی به بیان این مطلب می‌پردازد:
مشارکت در هنر به عنوان روشی برای بهبود سلامت، از محبوبیت بالایی برخوردار است. شرکت در هنرها می‌تواند افراد را قادر سازد تا با طیف گسترده‌ای از شرایط روحی و پریشانی روانی روبرو شوند.
بهترین بخش این تأثیر این است که به افراد کمک می‌کند تا از طریق خلاقیت، سلامت روان خود را بهبود بخشند. ایجاد هنر به بسیاری از افراد کمک می‌کند تا بدون نیاز به استفاده از کلمات، خود را ابراز کنند.

ایجاد حس تعلق اجتماعی

با افزایش سن و با از بین رفتن اتصالات اجتماعی مانند دوستان، خانواده و محل کار و همچنین محدودیت‌های دیگر مانند کاهش سلامت جسمی، ممکن است با انزوا روبرو شویم. از طریق درگیر شدن در برنامه‌های هنری، افراد می‌توانند در دهه‌های بعدی زندگی ارتباطات اجتماعی خود را مجدداً بازسازی کنند.
ارتباط با دیگران به کاهش تنهایی و انزوا کمک می‌کند. این امر در مورد خانه‌های سالمندان نیز صادق است. جایی که فعالیت‌های هنری می‌تواند به افزایش تعامل‌های اجتماعی بین ساکنان و کارمندان کمک کند. این موضوع می‌تواند روحیه و بهزیستی را بهبود بخشد.

نقش هنر در تأثیرگذاری روشهای درمانی

در روش‌های درمانی القایی مانند تحریک مغناطیسی مغز، هنردرمانی با کمک بر کاهش استرس و ادراک مغز از درد، می‌تواند درمان و بهبود را تسریع بخشد. همچنین با تقویت اعتماد به نفس و ایجاد احساس اشتغال، تأثیر بهتری را شاهد خواهیم بود. علاوه بر این مزایا، درگیری هنری، اضطراب، افسردگی و استرس را نیز کاهش می‌دهد (پیام زن؛ فروردین ۱۳۹۳، شماره ۲۶۵؛ نسرين دمیچی در گفتگو با بهنام زنگی).

۴- تأثیر هنر در زنان

زن موسیقی طبیعت در میان آفریده‌های الهی است. هنر، آوایی دوست داشتنی است که به گوش جان یک هنرمند می‌رسد و در گونه‌های مختلف خود را نشان می‌دهد هنرمند جلوه‌های هنر الهی است و در مقابل هنر درمانگری یک هنر بزرگ به حساب می‌آید.

معمولاً هنر و هنرمندی از دردمندی جدا نیست. هنر ما، هنر مسلمان بودن و درمانگری و کاستن از آلام بشر است. هنر آوای دوست است که به گوش جان هنرمند می‌رسد و در خط، نقشی یا ابداعی هنر خود را نشان می‌دهد. هنر تجلی خلافت الهی است. هنر درمانگری نیز هنر بزرگی است. چه بسیار دردها که از میان هنر به تجلی نشانده شده است و چه بسیار درمان‌ها که از راه هنر جان دردمندی را التیام بخشیده است.

زیباترین مستندات استفاده از ابزار هنری برای سلامت بخشیدن و موزون‌سازی مکانیزم بدن انسان در بین حکمای بزرگی نظیر فارابی و ابن سینا دیده می‌شود. طب و هنر می‌توانند برای ایجاد هارمونی و هماهنگی دست به دست هم دهند و برای تعالی روح و جسم افراد جامعه استفاده شوند. از سال ۱۳۲۰ برای بهبودی بیماران مسلول در کشور ما از تشاتر درمانی استفاده می‌شده که تأثیرات به‌سزایی نیز داشته است.

زن در هنر ایران

گمان می‌رود بنای باورها و پندارهای دینی بخش اعظم ساکنین فلات ایران بر پرستش «مادر خدا» قرار داشته است. این خدای مادر، احتمالاً جفتی داشته که فرزندش هم به شمار می‌آمده. در بین آریاییان متقدم، نشانه‌ای از نظام «پدر



سالار» وجود داشته و خدایان مذکر، حضوری انحصاری داشته‌اند. اما به مرور زمان در ارکان این انحصار، تزلزلی به وجود آمده که احتمالاً به واسطه فرهنگ دینی بومیان این سرزمین بوده است.

از متون الواح بین النهرین، چنین برمی‌آید که در میان اقوام گوتی که از کوه نشینان زاگرس بودند و بعدها به صورت خطر دائمی برای ایلام و سومر درآمدند، زنانی فرماندهی سپاه را برعهده داشتند. هرودوت نیز در کتاب خود از اقوام ماژوست یاد می‌کند که مخلوطی از بومیان فلات و تیره‌های آریایی بودند و نظام مادر سالاری داشتند (سامانه آفتاب).

۵- هنر درمانی

امروزه دردهای مختلفی وجود دارد که برای درمان آن نیز راه‌های متفاوتی هست، که در بین این راه‌ها گاهی یک راه ساده و کوتاه وجود دارد. بدون شک هنر می‌تواند درمان بسیاری از دردهای کسالت و افسردگی باشد. زیرا هنر به انسان شوق و اشتیاق برای زندگی و لذت بردن از جهان پیرامون می‌دهد.

سایت حامی هنر این موضوع را چنین بیان می‌دارد: هنر درمانی در واقع تلفیقی از تکنیک‌های روان درمانی و ایجاد خلاقیت برای بهبود سلامت افراد است که به وسیله آن می‌توان به درمان اختلالات جسمی و روانی پرداخت. هنر درمانی شامل بخش‌های مختلفی از جمله موسیقی درمانی، نمایش درمانی و نقاشی درمانی است که هر بخش در درمان اختلالات گوناگونی از جمله علائم اختلالات اوتیسم، افسردگی و استرس پس از سانحه کاربرد دارد. در واقع هنر به بهبود روابط بین‌فردی، کاهش استرس و آگاهی از جنبه‌های گوناگون شخصیت کمک می‌کند. همچنین به وسیله آن می‌توان به کشف استعدادها و افزایش توانایی‌ها پرداخت. در نتیجه توجه به این رویکرد درمانی از اهمیت بالایی برخوردار است. برای آشنایی بیشتر با هنر درمانی در ادامه این مقاله با ما همراه باشید (سامانه حامی هنر زندگی).

د: تحلیل فلسفه نفقه زن با تأکید بر شکوفایی استعدادهای هنری

این مطلب جای تحقیق و بررسی دارد که اگر یک زن بخواهد در یکی از رشته‌های هنری مثل خیاطی، خوشنویسی، نقاشی، کارگردانی، بازیگری، گلدوزی و... که بطور قطع هزینه‌های زیادی باید بابت شهریه و تهیه لوازم بپردازد، محل تأمین آن کیست؟ اما قبل از ورود به این بحث که نتیجه‌گیری ما نیز خواهد بود، بیان چند مطلب ضروری است.

۱- گرایش زنان به هنر

اگر چه روحیه هنر در همه انسان‌ها به ودیعه گذاشته شده است، اما زنان به دلیل طبع نازک و احساس لطیف به امور هنری و عاطفی بیشتر گرایش دارند و آنجا که روحیه زنانگی را با آن آمیخته می‌سازند، خالق یک اثر به یادگار می‌شوند.

نقش زن در هنر را می‌توان از جنبه‌های گوناگون مورد ارزیابی و تحلیل قرارداد. در این تحلیل‌ها می‌تواند زن را در مقام مولد و پدیدآور و نیز در مقام موضوع و محتوای اثر هنری مورد بررسی قرار داد. هنر به طور روشن اصلی‌ترین برون‌داد بشر در حوزه‌ی ادراک‌ها و احساس‌های اوست که از طریق آثار کلامی و ادبی، تصویری و دیداری، موسیقایی، نمایشی و جلوه‌های نوین هنر متبلور می‌شود. بر این اساس هر یک از گزاره‌های حسی، عاطفی، بینشی و شناختی انسان از پدیده‌ی شگفت هنر سهم دارند و موضوع و دست‌مایه‌ی آن قرار می‌گیرند. از این منظر می‌توان زن را یکی از اصلی‌ترین موضوع‌ها و محورهای بیان هنری در طول تاریخ برشمرد.

زن و بازتاب آن در آثار هنری در طول تاریخ هنر

بازآفرینی هر یک از باورها و ابعاد حسی انسان در روند تولید هنری، تحت تأثیر روی کرد کلی او به پیرامون است. بدین معنا که انسان هر دوره‌ای به تبع فرهنگ جاری در دوره‌ی مختص خود، به هریک از پدیده‌ها و مضامین مورد توجه خود در



اثر هنری از منظر تفکرهای رایج عصر خود نگریسته است. این باورها تحت تأثیر مذهب و آیین، رشدیافتگی فردی و اجتماعی، فرهنگ و حتی شرایط اقلیمی شکل می‌گیرد. بنابراین بازنمایی زن و موضوع‌های مربوط به آن نیز تحت تأثیر شرایط اشاره شده، در هر دوره‌ای روند خاص خود را داشته است.

توجه به زن در هنر ایران

زن در فرهنگ ایران از دیرباز تاکنون همواره از جایگاه برانده‌ای برخوردار بوده است. یکی از شاخصه‌های رشد فکری و اجتماعی جوامع، نوع نگاه شان به زن است که این مسئله همواره در فرهنگ ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. به گونه‌ای که در نظام اجتماعی ایران باستان می‌توان نشانه‌های توجه به حقوق و جایگاه زن را مشاهده کرد. این روند هرچند بر اثر تاخت و تازها و التقاط فرهنگی که در دوره‌هایی از تاریخ پدید آمده است دستخوش فراز و نشیب شده است؛ اما روح کلی فرهنگ ایرانی تجلیل و تکریم زن است و این مسئله در ادبیات و هنر ایرانی قابل مشاهده است. ادبیات و هنر ایران مملو از نشانه‌های آشکاری است که به جایگاه شاخص زن در فرهنگ ایرانی دلالت دارند.

عوامل جایگاه انسانی زن در هنر ایران

عناصر اثرگذار بسیاری در شکل‌گیری جایگاه زن در هنر ایران دخالت دارند که آیین و اعتقادهای ایرانیان از دوره‌ی باستان یکی از آنهاست که بعدها با ورود اسلام به این سرزمین تداوم یافته است. از دیگر عوامل می‌توان به تجربه تاریخی ایرانیان، سنت‌های اجتماعی و فرهنگ آنان که در بردارنده‌ی خصوصیت‌های ادراکی و خرد جمعی آنان است، اشاره کرد.

نقش زنان در هنر به عنوان پدیدآور و خالق اثر هنری

در فرهنگ ما با توجه به گرایش عمومی به هنر و وجود هنرهای فراگیری نظیر فرش‌بافی و صنایع‌دستی، توده‌های مختلف جامعه به امر تولید هنری اشتغال داشته‌اند. حضور زنان در برخی از عرصه‌های هنری چنان چشم‌گیر است که می‌توان آن‌ها را هنری زنانه قلمداد کرد. به عنوان مثال، هنر فرش بافی و سایر زیراندازها صرف نظر از مراحل طراحی و ابعاد فنی آن، در مرحله‌ی بافت عموماً توسط زنان و دختران انجام می‌شود. روح سرزنده و پرعطوفت زن ایرانی در زمینه‌های مختلف تولید اثر هنری به ویژه در صنایع دستی و خانگی امکان تجلی و تبلور یافته و منجر به خلق آثار شگرف و دل‌پذیری در هنر ایران شده است (مجله پیام زن، فروردین ماه سال ۱۳۹۳ شماره ۲۶۵).

۲- ایده کار هنری و درآمدزایی

در حوزه هنر ایده‌ها و طرح‌های زیادی را می‌توان آموزش دید و در زندگی شخصی و جامعه بکار برد. به عبارتی می‌توان این شغل‌ها را خانگی کرد. برخی از آن‌ها عبارتند از: طراحی و ساخت زیورآلات، طراحی لباس، مجسمه سازی، ساخت کارت پستال، نقاشی، طراحی تی شرت، محصولات سرامیکی، خیاطی، صابون سازی، فروشگاه آنلاین هدایای دست‌ساز، لحاف و پتودوزی، ساخت اسباب بازی، تصویرسازی، فروشندگی کارهای کپی و چاپ، شیشه سازی، تولید کیف دستی، گلدوزی، عکاسی، بافندگی، گل سازی، جوشکاری، کشیدن کاریکاتور، ساخت لوازم جانبی تکنولوژی، طراحی لباس‌های مناسبی، طراحی کتاب، رنگ آمیزی، ترمیم وسایل قدیمی، قاب سازی، سیدبافی، کار هنری چوبی، الگوسازی، طراحی و فروش پارچه، شمع سازی، مهرسازی، نقاشی دیواری، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، آموزش کارهای هنری، تولید محتوای آموزشی و آنلاین، خوشنویسی و خطاطی، مدیریت صفحه هنری در شبکه اجتماعی، نقاشی پرتره سفارشی و...

۳- اهمیت هنر از دیدگاه دین

گرچه ممکن است مصادیق فطرت و درون خواهی آدمی فراوان باشد، اما در مجموع، از چهار محور اساسی می‌توان نام



برد: خداخواهی، آگاهی طلبی، میل به نیکی‌ها، میل به زیبایی‌ها، بنابراین، میل به زیبایی‌ها از محورهای اساسی نهاد فطرت آدمی است که از رهگذر آن، ده‌ها مصداق را می‌توان بیان نمود. از طرفی همان‌گونه که در بیان عناصر هنر گفته شد، زیبایی، یکی از عناصر جدایی‌ناپذیر آن می‌باشد، به این معنا که هر اثری که زیبایی ندارد، هیچ‌گاه اثر هنری تلقی نمی‌گردد و چون میل به زیبایی، فطری است، میل به هنر و آثار هنری نیز، برای آدمی خواهد بود؛ زیرا اثر هنری از عصر زیبایی جدا ناپذیر است.

پذیرش فطری بودن هنر، ما را به یک اصل مسلم رهنمون می‌گردد که هرگز نمی‌توان مدعی شد ادیان آسمانی و پیام آوران آن با هنر مخالفت کرده‌اند، چه اساساً دعوت پیامبران در راستای قانون فطرت بوده است.

همان‌گونه که حضرت امیر (علیه السلام) در بیان مقاصد پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «لیستأدوهم میثاق فطرته ... ویشیروا لهم دفائن العقول»؛ تا پیمان فطرت خداوند را بازپردازی کنند و دَفینه‌های خرد را برای آنان (مردم) برافشانند (نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، خطبه اول). بنابراین، برای باز یافتن دیدگاه اسلام به عنوان «جامع و مکمل ادیان آسمانی» در مورد هنر، نمی‌توان به پیشینه مردود بودن آن باور داشت.

افلاطون در جایی می‌گوید: «روح انسان در عالم مجردات قبل از ورود به دنیای حقیقت زیبایی و حسن مطلق، خیر و نیکی را بدون پرده حجاب دیده است. پس در این دنیا چون حسن ظاهری و نسبی و مجازی را ببیند از آن زیبایی مطلق که سابقاً درک نموده یاد می‌کند، غم هجران به او دست می‌دهد و هوای عشق او را بر می‌دارد» (سامانه تبیان؛ امید واضحی آشتیانی). وی در این بیان، به فطرت نظر دارد، و به گفته سعدی:

پیش از آب و گل در دل من مهر تو بود / با خود آوردم از آن جان به خود پرستم

اثرات زیبایی و هنر را این‌گونه می‌توان بیان نمود:

رسایی هنر در بیان مقاصد هنر با بهره‌گیری از ذوق و خلاقیت آدمی از چنان لطافت و نرمی‌ای برخوردار است که با استفاده از آن به راحتی تمام می‌توان عالی‌ترین مقاصد را بیان نمود، کاری که اگر هنر به مدد آدمی نیاید، براستی در پاره‌ای از مواقع سخت و دشوار می‌نماید. شعر و هنر، زیباترین قالب برای همه پیام‌ها نوین و مایه گسترش و نفوذ این پیام‌ها تا هر سوی خطه دل‌ها و جان‌های انسانی است.

شاهد قرآنی

قرآن برای آن که حقیقت شرك و فرایند آن را در سقوط آدمی در سخت‌ترین جایگاه ممکن نشان دهد. چنین آورده است: «و من یشرك بالله فکانما حرّ من السماء فتخطفه الطیر او تهوي به الريح في مكان سحيق» (حج/۳۱)؛ هر کس به خداوند شرك ورزد، گویی از آسمان افتاده و پرنده‌ای او را در ربوده، یا تندباد او را به جایی دوردست در انداخته است. سعدی حکیم سخنور پارسی با استفاده از شعر و رسایی آن و با بهره‌گیری از صنعت تشبیه و تمثیل، پیام بلندی را در دو بیت زیر آورده است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند / که در آفرینش زیك گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار / دگر عضوها را نماند قرار

(این شعر سعدی برگرفته از روایت نبوی (صلی الله علیه و اله) است. رسول الله (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: داستان انسان‌های با ایمان در مهربانی و مهرورزی به یکدیگر همانند پیکر انسان است که در بیماری و ناراحتی یک عضو سایر اعضاء



با شب بیداری و تب با او همدردی می‌کنند (بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۱۵۰). در رسایی آن همین بس که زینت‌بخش سردر سازمان ملل متحد شده است.

نکته اساسی دیگری که در رسا بودن اثر هنری نقش دارد، عدم رهیافت استدلال و برهان و پیچیدگی‌های عقلانی ویژه آثار علمی در آن می‌باشد. به این خاطر گفته‌اند که زبان علم و فلسفه، زبان ویژه برخی از مردم است، در حالی که در اثر هنری، فهم آن برای همگان میسر می‌باشد.

۴- استحکام خانواده

خداوند متعال جوهره زن و مرد را طوری آفرید که این دو در کنار هم آرامش بگیرند (...لتسکنوا الیها... روم آیه‌ی ۲۱) و مسیر رشد و تعالی را طی کنند.

مرد مدیر تأمین معاش و زن مدیر داخلی خانه و مسئول اصلی تربیت است. زیرا تمام وقت در کنار فرزند می‌باشد. این جایگاه ممتاز و ویژه باعث شده است تا زن از حقوق ویژه‌ای برخوردار باشد نه صرفاً حقوق مساوی! زن و مرد به دلیل انسان بودن دارای حقوق مشترکی هستند و در عین حال به دلیل تفاوت‌های خلقت، هر کدام دارای حقوق ممتاز و خاص خود نیز می‌باشند.

در منابع فقهی و روایی آیات و روایات بسیاری در مورد «زن» وجود دارد که هر کدام به بررسی بخشی از وظایف و موقعیت زن می‌پردازد که در موارد بسیاری هر کدام از آن‌ها می‌تواند خود موضوع یک پایان نامه باشد. در ذیل برخی موارد، فقط به صورت فهرست از نظراتان می‌گذرد:

الف: در معنویت و ارتباط با حضرت حق فرقی بین زن و مرد نیست. آنجا که همسر عمران گفت: «از من قبول کن که تو شنوا و دانایی» (سوره آل عمران آیه‌ی ۳۵).

ب: در مورد حکمرانی زن... (نمل آیه‌ی ۲۳).

ج: به مجازات رسیدن زن بد. زن ابی لهب حمل‌کننده هیزم آتش است... (مسد آیه‌ی ۴).

د: یکی از وظایف زن خودآرایی برای شوهر است... (مجموعه ورام ص ۳۴).

ه: سفارش جبرئیل به پیامبر در خصوص مراعات حقوق زن... (بح ج ۱۰۰ ص ۲۵۳).

و: روابط و مصافحه با نامحرم... (فروع کافی ج ۵ ص ۵۲۵ / بح ج ۷۳ ص ۳۶۶ / مکارم الاخلاق ص ۲۳۶ و...).

ز: اشتغال برای زن. ریسندگی و خیاطی برای زن بهترین شغل است. زیرا هم او را سرگرم می‌کند و هم منبع درآمد برای اوست و هم حتی امکان در خانه خود حضور دارد و به سایر امور خانه و تربیت فرزندان می‌بادرت دارد (مکارم الاخلاق ص ۲۳۸ / همان ۲۳۹). حال وقتی زن می‌خواهد در این امور یا هر موضوع از هنر به جامعه خدمت کند و در عین حال مستلزم درآمد برای خانواده هست، نیازمند هزینه‌کرد می‌باشد، و این هزینه را چه کسی باید پرداخت کند؟ که در انتهای بحث شرایط و تقسیم بندی موارد جدید برای دریافت نفقه را ذکر خواهیم کرد.

ح: در روایات زیادی زن را از ریاست و حکمرانی منع می‌کند. البته تمامی آموزه‌های دینی به معنی جامعیت حداکثری است نه به این معنا که هیچ زنی پیدا نمی‌شود تا بتواند ریاست کند. بلکه به این معناست که نوع خلقت زن برای حکمرانی ساخته نشده است (بحار، ج ۷۴ ص ۱۳۸ / همان ج ۱۰۰ ص ۲۲۸ / سنن بیهقی ج ۱۰ ص ۱۱۸ / مسند احمد ج ۵ ص ۴۷ و...).

ط: جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است (بحار، ج ۱۰۰ ص ۲۴۵) به راستی اگر زنان، خوب شوهرداری کنند و با سلاح عشق و محبت او را در مشقت خود بگیرند، به ندرت پیش می‌آید که مردی به زن دیگری نظر داشته باشد...



۵- نفقه زن هنرمند

با توجه به جمیع موارد گفته شده، می‌خواهیم بررسی کنیم که هزینه‌های آموزش و تجهیزات برای یک زن دانشجوی هنر از چه محلی باید تأمین شود؟

اینجا دو بحث وجود دارد. یکی از موارد، مورد توافق و دیگری غیر از توافق: در جایی که زوجین از ابتدای زندگی و یا بعد از آن با هم توافقی کرده باشند که فلان مورد هزینه را مرد انجام دهد و یا حتی شرط کرده باشند که زوج برای زوجه حتی غذا و لباس تهیه نکند، و این تعهد را در شروط ضمن عقد بیاورند، بدیهی است از باب قاعده «الناس علی شروطهم» باید بدان پای بند باشند و جای شک نیست. اما در جایی که هیچ‌گونه شرطی وجود نداشته باشد، تکلیف چیست؟

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، در این‌که کف نفقه چیست، جای شک و شبهه نیست و آنقدر در منابع فقهی مطلب با صراحت وجود دارد که هزینه‌های اولیه زن بر شمرده شده است. اما تسری آن به موارد دیگر از جمله وظایف فقه پویای شیعه است. یعنی در جامعه امروز و با بروز مسائل مستحدثه کار مجتهد است که بگوید کدام مصداق جزو نفقه هست و کدام نیست. برای بیان این موضوع ناچار به طرح دو مسئله هستیم:

مسئله اول: هزینه‌هایی که اکثر زن‌ها دارند.

مسئله دوم: هزینه‌هایی که برخی زن‌ها دارند.

در خصوص موضوع اول، مثل هزینه‌ی خرید گوشی موبایل و شارژ آن که امروزه کمتر کسی هست که از این مورد بی‌بهره باشد، بدون شک ملحق به هزینه‌های جاری یک زن می‌شود و اگر در روایات بیان نشده است، چون متابع روایی محدود به زمان است و از طرفی، آنچه در روایات گفته شده است، موارد «احصایی» نبوده، بلکه «مثلاً ما» بوده است و اهل بیت (ع) در صدد بیان موارد مثلی و نمونه‌ای بوده‌اند. به عبارتی: آنچه به عنوان کف موارد نفقه بیان شده است نمونه نیازهای رایج زن آن روز بوده است و از این‌جا «وحدت مناط» می‌گیریم که در طول تاریخ هر جا که هزینه‌ای برای نوع زن‌ها وجود داشته باشد، می‌تواند جزو موارد نفقه باشد، مگر آن‌که «شرط خلاف» شود.

در جایی که یک زن مخارجی دارد که تنها برای برخی افراد یا حداکثر یک جمع قلبی از زن‌ها وجود دارد، تکلیف چیست؟

بطور مثال؛ استفاده از یک خودروی لاکچری و اصولاً هر چیز لاکچری دیگر نظیر استفاده از یک باشگاه ورزشی خاص، یا رفتن به یک سالن آرایش خاص و شرکت در مسابقات فرهنگی، ورزشی و هنری و نظائر آن...

در این‌گونه موارد نیز اگر از ابتدا شرطی وجود داشته باشد، طبق آن عمل می‌کنند. اگر زن قبل از ازدواج با یک مرد این موارد را داشته باشد، از باب «شأنیت زن» که در گذشته بدان پرداختیم، جزو نفقه زن می‌باشد. اما اگر زن از ابتدای زندگی یا در طول آن این حق خود را سلب کرده باشد، دیگر نمی‌تواند مطالبه کند (نظیر بخشیدن مهریه).

پس! به نظر نگارنده تمامی مواردی که برای برخی از زنان وجود دارد، اگر قبل از ازدواج این امکان را داشته است و زوج با علم به موقعیت و شأنیت ایشان ازدواج کرده است، باید جزو نفقه باشد. اما اگر زن در طول زندگی به آن رسیده باشد، مثل آن‌که با درآمد مستقل خود به چنین موقعیت ورزشی و هنری رسیده باشد، تابع توافق است. این‌جا دو توافق لازم است. یکی توافق بر سر اصل این‌که هزینه‌های آن را مرد پرداخت کند و دیگر این‌که حتی اگر زن هزینه‌ای نخواهد، موضوع دوم که حقوق مرد می‌باشد باید مورد توافق قرار گیرد.

بطور مثال؛ اگر زن بگوید من از محل درآمد خودم هزینه‌های لوازم هنری و شهرییه آن را می‌پردازم و مرد بگوید «من می‌خواهم وقت زنم در کنار من سپری شود» این هم جای بحث و توافق دارد.



نتیجه :

با توجه به جمیع مطالب گفته شده در اسلام و در همین مقاله، موضوع نفقه به مخارج مورد نیاز زن اطلاق می‌شود که حتی اگر زن خودش دارای درآمد هم باشد، وجوب آن از مرد ساقط نمی‌شود. حال در طول دوران‌های مختلف و مکان‌های مختلف نیازهای عمومی زن متفاوت و متنوع شده است، پس هرگونه هزینه کرد مرد، برای زن در امور هنری، فرهنگی، ورزشی، کسب و کار و غیره می‌تواند جزو موارد نفقه محسوب شود تا زن به موقعیت و جایگاه بهتری برسد تا هم از جهت معنوی و نیز مادی باعث ارتقا و استحکام خانواده خود گردد. پس مفهوم نفقه یک مفهوم کاملاً عرفی است و شارع مقدس آن را به عرف واگذار کرده است که عنصر زمان و مکان در آن تعیین کننده است.

منابع و مآخذ :

❖ قرآن کریم

- ❖ احمد بن محمد بن حنبل، مسند احمد، موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۱۶ق
- ❖ اسلام و اجتماع، علامه طباطبایی و حقوق زن در اسلام و جهان، یحیی نوری.
- ❖ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲
- ❖ آشنایی با فلسفه هنر نوشته دکتر حسن بلخاری فقهی
- ❖ آیت الله جوادی آملی؛ زن در آینه جلال و جمال، ،
- ❖ بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر؛ (نسخه الکترونیک نرم افزار المعجم ۳)
- ❖ بیهقی، احمد بن حسین؛ سنن بیهقی، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق
- ❖ پیام زن؛ فروردین ۱۳۹۳، شماره ۲۶۵؛ سرین دمیرچی در گفتگو با بهنام زنگی)
- ❖ تولستوی، لئون، هنر چیست؟، کاوه دهقان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴
- ❖ شهابی، محمود، ادوار فقه، چ پنجم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵ ش، ج ۱،
- ❖ طباطبائی، محمد حسین و دیگران، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت،
- ❖ طبرسی، حسن بن فضل؛ مکارم الاخلاق (نسخه الکترونیک المعجم ۳)
- ❖ علامه طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۴، ص
- ❖ فلسفه هنر از دیدگاه مارکس نوشته میخائیل لیف شیتز
- ❖ فلسفه هنر معاصر نوشته هربرت رید
- ❖ کافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ دار الحدیث، قم، ۱۳۸۸
- ❖ کتاب فلسفه هنر رایانه‌ای نوشته دومینیک مک‌آیور لوپس
- ❖ کتاب فلسفه هنر نوشته ژان لاکست
- ❖ کتاب مبانی فلسفه ی هنر، آن شپرد، تصحیح و سخنرانی استاد منصور براهیمی
- ❖ گروه مطالعات اسلامی دائرة المعارف انسان شناسی، فرهنگ اصطلاحات فقهی، چ اول، تهران: انجمن قلم ایران، ۱۳۷۷ ش،
- ❖ مجله شمیم یاس شهریور و مهر ۱۳۸۱، پیش شماره ۱۴
- ❖ مجله فرهنگ کوثر؛ ش ۴۲ شهریور ۱۳۷۹
- ❖ مجموعه قانون مدنی (نرم افزار)



- ❖ مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها، چ ششم، قم: الهادی، ۱۳۷۴ ش،
- ❖ مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، فقه، قم: صدرا، بی تا،
- ❖ مطهری، مرتضی، نظام حقوقی زن در اسلام، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۷۹
- ❖ مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، اسماعیلیان، ۱۳۷۰
- ❖ المنجد، لوئیس معلوف، دهاقانی، ۱۳۷۴
- ❖ المنجد، محمد بندر ریگی، ایران، چ ۴، سال ۱۳۸۴
- ❖ نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ه ق) جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار احیا التراث العربی، چاپ هفتم.
- ❖ واژه نامه نوین، قریب محمد، بنیاد چ ۳، سال ۱۳۶۰
- ❖ ورام بن فارس؛ مجموعه ورام، المکتب الفقهیه، قم، بی تا
- ❖ هاشم زاده، حسین؛ قبسات، ۱۳۸۵ شماره (۳۹ و ۴۰)
- ❖ [https://www.aftabir.com/articles/view](https://www.aftabir.com/articles/view.php/%D1p1290845552_5/art_culture/art/c)
- ❖ <https://honarehzendegi.com/fa/>
- ❖ دیکشنری آنلاین
- ❖ نرم افزار المعجم نسخه سوم
- ❖ نرم افزار المکتب الشامله
- ❖ مدرسه مجازی فقاہت
- ❖ سایت ویکی پدیا
- ❖ سایت حامی هنر زندگی



Abstract

In "Islamic jurisprudence" there are various cases that play an important role in human life. One of those cases is the issue of "alimony". Alimony is a legal series that is given to a woman under certain conditions and rules. This article discusses some of the costs of women (alimony) whether some artistic, sports and other activities for women can be considered as alimony or not? Because it requires attention to the sensitive and delicate spirit of women and their ability to create works of art in order to develop their talents in this regard, and in the light of that, more strength and peace of the family and through this, increase economic income for the family. Undoubtedly, the jurisprudential approach to this issue can bring the issue of alimony into another area of adultery and its strength in the light of alimony. Therefore, in this article, by analytical and descriptive method with a library approach, by referring to the sources and jurisprudential texts, alimony cases have been studied and it has been concluded that the counted cases for alimony are not exclusive and according to the needs and conditions of time and place, Is expandable. The research approach of this article deals with the case of the library method, which deals with the issue of allocating money as alimony for education and necessary expenses in artistic affairs until the graduation that is required for it, and of course after reaching the stage of mastery or entrepreneurship. It can help the family economy.

Keywords: inclusion, alimony, jurisprudence, art